



Research Paper

Searching for legal approaches to desirable governance in cyberspace The components of sustainable development

Seyed Mohammad Reza Mousavi Fard 

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Receive: 09 Feb 2025
Revise: 06 Mar 2025
Accept: 13 Mar 2025
Published online:
20 Mar 2025




Keywords:

Optimal governance, cyberspace, legal approaches

Abstract

Desirable governance in cyberspace as one of the key components of Sustainable Development has profound effects on various social, economic and political dimensions. The open governance approach in the international arena by countries is the dominant approach, a combination of both and based on the system of issues of societies affects their cyber governance practices; therefore, the optimal model of digital governance is flexible governance and based on the system of issues that should be adopted by countries in the domestic and international arena. Sustainable governance can be seen as a model for overcoming the shortcomings of good governance, which is formed by combining the paradigm of development as a software and good governance as a solution for the operationalization of governance. In this article, we will study the legal approaches of desirable governance in cyberspace based on sustainable development with an analytical descriptive look and the documentation and library method.

Please cite this article as (APA): Mousavi Fard.M. (2025). Searching for legal approaches to desirable governance in cyberspace The components of sustainable development. Journal of Governance studies & development management, 1 (2), 362-375.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	doi : 10.22034/jgsdm.2025.532842.1022	
Corresponding Author: Seyed Mohammad Reza, Mousavi Fard	https://orcid.org/0000-0001-8735-9363	
Email: M.Mousavi.Fard@iau.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	



Extended Abstract

Introduction

The study aims to examine the role of optimal governance in cyberspace as one of the pillars of sustainable development, analyzing the challenges, solutions and effective legal models in this area. The main focus is on interaction between digital technologies, governance, and sustainable development to provide an efficient model for managing cyberspace.

Research method:

This article examines theoretical foundations, research background, and international experience in the field of cyberspace governance with a descriptive-analytical approach and the use of documentary and library methods. The required data is collected through the content analysis of authoritative Persian and international sources.

Key findings:

- Optimal governance and sustainable development:
- Optimal governance in cyberspace with components such as transparency, accountability, and citizen participation is recognized as a platform for achieving sustainable development.
- Cyberspace plays a key role in strengthening government institutions and improving the quality of life of citizens by facilitating access to information and increasing public trust.

Digital governance model:

- The optimal model of governance in cyberspace is a combination of flexible governance and approaches based on the system of issues of societies.
- This model should be considered both domestically and internationally to prevent decision-making.

Challenges and injuries:

- Institutional challenges: institutional conflict, policy instability, and the overcoming of a technical-technical view of social and cultural dimensions.
- Criminological damage: cybercrime, privacy violations, and security threats that require preventive measures such as public education and intelligent surveillance.
- Moral harm: reducing family interactions, spreading misinformation, and violating moral values in content production.

Proposed solutions:

- Strengthening Multi-interest governance: participation of civil institutions, the private sector, and the government in the policy-making process.
- Status Prevention: the use of technological tools such as cryptography, intelligent surveillance, and cyber patrols to combat crime.




- Media literacy development: training users and content producers to promote ethics and responsibility in cyberspace.
- Data localization: reducing dependence on foreign platforms and strengthening content based on Iranian-Islamic culture.

Conclusion:

Optimal governance in cyberspace requires an integrated and flexible approach that simultaneously addresses the legal, social, economic, and security dimensions. This study shows that the combination of sustainable governance with the development paradigm can be used as an operational solution to overcome the shortcomings of traditional governance. Also, international coordination and attention to Indigenous values in policy design are key factors in the success of cyberspace governance.

مقاله پژوهشی

جستاری در رویکردهای حقوقی حکمرانی مطلوب در فضای مجازی از مؤلفه‌های توسعه پایدار

سید محمدرضا موسوی فرد 

استادیار گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده




حکمرانی مطلوب در فضای مجازی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار، تأثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. این امر نیازمند شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی به مردم است. فضای مجازی این امکان را فراهم می‌آورد که اطلاعات به سرعت و به آسانی در دسترس عموم قرار گیرد، که این خود به افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند. رویکرد حکمرانی باز در عرصه بین‌الملل از سوی کشورها، رویکرد غالب است، ترکیبی از هر دو و مبتنی بر نظام مسائل جوامع بر شیوه‌های حکمرانی سایبری آن‌ها اثرگذار است؛ بنابراین الگوی مطلوب حکمرانی دیجیتال، حکمرانی اقتداری منعطف و مبتنی بر نظام مسائلی است که باید در عرصه داخلی و بین‌المللی از سوی کشورها اتخاذ شود. حکمرانی پایدار را به عنوان الگویی برای برون رفت از کاستی‌های حکمرانی خوب می‌تواند مطرح کرد که از ترکیب پارادایم توسعه به عنوان مغزافزار و حکمرانی خوب به عنوان راهکار عملیاتی سازی حکمرانی، این الگو شکل می‌گیرد. در این مقاله با نگاهی توصیفی تحلیلی و روش اسنادی و کتابخانه‌ای درصد مطالعه رویکردهای حقوقی حکمرانی مطلوب در فضای مجازی مبتنی بر توسعه پایدار هستیم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳
تاریخ انتشار آنلاین:
۱۴۰۳/۱۲/۳۰

کلید واژه‌ها:

حکمرانی مطلوب،
فضای مجازی،
رویکردهای حقوقی.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): موسوی فرد، سید محمدرضا. (۱۴۰۳). جستاری در رویکردهای حقوقی حکمرانی مطلوب در فضای مجازی از مؤلفه‌های توسعه پایدار، *دوفصلنامه مطالعات حکمرانی و مدیریت توسعه*، (۲) ۳۶۲-۳۷۵.

	doi: 10.22034/jgsdm.2025.532842.1022	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی ساموس
	https://orcid.org/0000-0001-8735-9363	نویسنده مسئول: سید محمدرضا موسوی فرد
	این مقاله تحت شرایط https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.	ایمیل: M.Mousavi Fard @iau.ac.ir



مقدمه

حکمرانی مطلوب در فضای مجازی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار، تأثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. این مفهوم به فرآیندهایی اشاره دارد که از طریق آن‌ها دولت‌ها و نهادهای اجتماعی می‌توانند به تعامل مؤثر و پاسخگویی در فضای مجازی بپردازند. این امر نیازمند شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی به مردم است. فضای مجازی این امکان را فراهم می‌آورد که اطلاعات به سرعت و به آسانی در دسترس عموم قرار گیرد، که این خود به افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند. نوعاً فضای مجازی بستری را برای مشارکت بیشتر شهروندان در فرآیندهای حکمرانی فراهم می‌کند. این مشارکت می‌تواند شامل نظرسنجی‌ها، مشاوره‌های عمومی و دیگر اشکال تعامل باشد که به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. می‌توان مثلاً گفت: جریان آزاد اطلاعات یکی از ارکان حکمرانی مطلوب است. فضای مجازی با تسهیل دسترسی به اطلاعات، امکان آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی را فراهم می‌کند. حکمرانی در فضای مجازی نیازمند تنظیم روابط میان بازیگران مختلف اجتماعی است. این تنظیمات می‌تواند شامل قوانین و سیاست‌هایی باشد که رفتار کاربران و سازمان‌ها را هدایت کند. حکمرانی مطلوب در فضای مجازی نه تنها به تقویت نهادهای دولتی کمک می‌کند بلکه موجب ارتقاء سطح زندگی شهروندان نیز می‌شود. با توجه به تحولات روزافزون در فناوری‌های دیجیتال، ضروری است که دولت‌ها و نهادهای اجتماعی به طور مداوم استراتژی‌های خود را بازنگری کرده و بر اساس نیازها و چالش‌های جدید عمل کنند. حکمرانی مطلوب در فضای مجازی با چالش‌های خاصی مواجه است که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد این فضا، پیچیدگی‌های زیادی را به همراه دارد. اینجاست که وجود نهادهای مختلف با وظایف متفاوت در حکمرانی فضای مجازی می‌تواند منجر به عدم هماهنگی و تداخل در تصمیم‌گیری‌ها شود. این موضوع نیازمند یک رویکرد یکپارچه برای مدیریت بهتر است. چالش‌های حکمرانی در فضای مجازی نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی حکمرانی و نیاز به توسعه راهکارهای نوین برای مدیریت مؤثر این فضا است. تنها با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی می‌توان به حکمرانی مطلوب دست یافت. یکی از مفاهیمی که در راستای نهادینه سازی جامعه مدنی طی سالهای اخیر مطرح گردیده است مفهوم حکمرانی خوب می‌باشد. حکمرانی مطلوب هر چند به معنای فرایند به کارگیری سیاستها و تصمیم‌گیریها از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی است در مفهوم اسلامی با کاربرد امر خیر که برای آن پیدا می‌شود، مفهومی فراتر پیدا می‌کند. از این رو، منظور از حکومت حکمرانی امور خیر در ایران می‌تواند شامل سازمانهایی مانند نهادهای ارائه دهنده خدمات اجتماعی حاکمیتی یا دولتی، سازمان‌های قانونگذار، سازمان‌های مردم نهاد و خیریه باشد. (اخضریان و دیگران، ۱۳۹۹) در این مقاله با نگاهی توصیفی تحلیلی و روش اسنادی و کتابخانه‌ای درصدد مطالعه رویکردهای حقوقی حکمرانی مطلوب در فضای مجازی مبتنی بر توسعه پایدار هستیم.

مبانی نظری

زندگی دوم در فضای مجازی فضای مجازی اولین بار توسط نویسنده داستان‌های علمی تخیلی ویلیام گیبسون بکاررفت. او در سال ۱۹۸۴ کتابی بنام نورومانس نوشت. در این داستان افراد مستقیماً مغزهای خود را به کامپیوتر وصل می‌کردند و می‌توانستند اطلاعات آن را مشاهده نمایند. آن‌ها بگونه‌ای در جهان سفر می‌کردند که گویی در دنیای واقعی هستند. واقعیت مجازی در سال ۱۹۹۰ توسط محقق آمریکایی بنام ایوان ساوسرلند اختراع شد. او توانست محیطی مصنوعی ایجاد کند که دیدنی، شنیدنی، احساس کردنی و عمل کردنی بود. در سال ۲۰۰۳ یک شرکت آمریکایی برنامه‌ای با عنوان زندگی دوم را با الهام از فضای مجازی، به منظور ایجاد یک زندگی واقعی بنیان نهاد. در اواخر سال ۲۰۰۶ خبر آن به صورت گسترده از طریق رسانه‌ها پخش شد.

اما به طور کلی می‌توان گفت زندگی در فضای مجازی تأثیرات مثبت و منفی بر سبک زندگی کاربران می‌گذارد. پژوهشگران علوم اجتماعی معتقدند که به منظور انجام کارهای تحقیقاتی می‌بایست، نمونه‌ای مناسب از جامعه انتخاب شود زیرا پژوهش روی تک تک افراد جامعه امکانپذیر نیست. به این ترتیب پژوهشگر خواسته‌های خود را از طریق یافته‌های بدست آمده از گروه نمونه اطلاعاتی در رابطه با جمعیت موردنظر بدست خواهد آورد. برای پژوهشگران، زندگی دوم نمونه مناسبی از جامعه است. فرصت‌های آموزشی، اقتصادی و... از جمله نقاط مثبت این فضاها می‌باشد. اما حضور در این دنیاها می‌تواند آسیب پذیریه‌های اجتماعی و خانوادگی را نیز همراه داشته باشد. امروزه فضای سایبر جزء لاینفک زندگی انسان‌ها گردیده و از آن به عنوان زندگی دوم نام برده می‌شود. مساله اصلی در این فضای نوظهور در زندگی انسان‌ها این است که آیا همان‌گونه که در زندگی فیزیکی نیازمند قانون و قاعده هستیم در این فضا نیز نیازمند قواعدی هستیم که نظام دهنده روابط اجتماعی حاکم بر این فضای زندگی باشد. پر واضح است که فرآیند تدوین قواعد برای چنین فضایی که دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد با آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر مواجه خواهد بود. اصلی‌ترین چالش و آسیب این حوزه را می‌توان در ضعف انسجام و هماهنگی مراجع قاعده‌گذار و تعیین‌کننده سیاست‌ها در این فضا دانست. (بالوی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۵۳)

بر اساس مطالعات مؤسسات تحقیقاتی معتبر جهانی روی شبکه‌های اجتماعی معروفی همچون فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام، سه میلیارد نفر در جهان یعنی حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت دنیا، از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بر اساس آمار، هر فرد به طور میانگین دو ساعت از زمان خود را به هم‌رسانی اطلاعات، لایک کردن، توئیت کردن و به‌روزرسانی پلتفرم‌های اجتماعی سپری می‌کند. (<https://jahanesanat.ir/?p=30782>)

پیشینه و ادبیات موضوع

-مقاله با موضوع: الگوی مطلوب حکمرانی آینده‌نگرانه و کاهنده آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی در ایران به قلم علیرضا افشانی و دیگران که به سال ۱۴۰۲ در نامه صادق چاپ شده است در آن تصریح شده است: شبکه‌های اجتماعی بستری پیچیده از تعاملات و امکانات هستند که برنامه‌ریزی و مدیریت آن به رویکرد جدید نیاز دارد. آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری از جمله گفتمان‌های جدیدی هستند که در تلفیق با برنامه‌ریزی‌های مرسوم سیاست‌گذاران اجتماعی دیدگاه نوینی را در حوزه مدیریت رسانه ایجاد می‌کنند. از این رو پژوهش حاضر با هدف ارائه تصاویر بدیل از آینده شبکه اجتماعی مجازی و آسیب‌های آن در چارچوب روش سناریونگاری انجام گرفت. در این مطالعه از نظریات هابرماس، کاستلز، گیدنز، برگر برای شناخت بهتر موضوع استفاده شد.

-مقاله با موضوع: ارائه الگوی مطلوب حکمرانی دیجیتال در عصر جامعه شبکه‌ای به قلم علیرضا افشانی و دیگران که به سال ۱۴۰۲ در مطالعات رسانه‌های نوین چاپ شده است در آن تصریح شده است: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه عده‌ای بر این باورند که رویکرد حکمرانی باز در عرصه بین‌الملل از سوی کشورها، رویکرد غالب است، ترکیبی از هر دو و مبتنی بر نظام مسائل جوامع بر شیوه‌های حکمرانی سایبری آن‌ها اثرگذار است؛ بنابراین الگوی مطلوب حکمرانی دیجیتال، حکمرانی اقتداری منعطف و مبتنی بر نظام مسائلی است که باید در عرصه داخلی و بین‌المللی از سوی کشورها اتخاذ شود.

- مقاله با موضوع: شناسایی و تحلیل راهبردی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران به قلم قربانی و دیگران که به سال ۱۴۰۲ در مطالعات رسانه‌های نوین چاپ شده است در آن تصریح شده است: حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های متعددی از جمله تشّت و تعارض نهادی، ناپایداری سیاستی، بی‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی و افکار عمومی در امر سیاست‌گذاری و غلبه نگاه فنی - تکنیکی مواجه است که سبب شده حکمرانی در این زمینه با نقطه مطلوب فاصله چشمگیری داشته باشد. پژوهش حاضر به

دنبال آن است که عوامل کلان مؤثر بر بهبود عملکرد حکمرانی فضای مجازی را شناسایی نماید، آن‌ها را اولویت‌بندی کند و نسبت به هر یک از آن‌ها تجویزهای راهبردی ارائه نماید.

مقاله با موضوع: الگوی مطلوب قانونگذاری حفاظت از داده شخصی در بستر اینترنت اشیا در پرتو مطالعات تطبیقی به قلم الگوی مطلوب قانونگذاری حفاظت از داده شخصی در بستر اینترنت اشیا در پرتو مطالعات تطبیقی چاپ شده است در آن تصریح شده است: اینترنت اشیا به عنوان نسل جدید اتصال و ارتباط اشیا هوشمند از طریق اینترنت، مفهومی است که به تازگی وارد ادبیات حکمرانی کشور شده است. با توجه به امکان شناسایی هویت و دسترسی به اطلاعات شخصی از طریق تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده، حفاظت مؤثر از داده‌های شخصی به عنوان یک امر بایسته در بستر این فناوری مطرح شده است.

مفهوم حکمرانی

با توجه به گویا بودن واژه فارسی " حکمرانی " این واژه را از میان همه کلمات فوق‌الذکر معادل مناسبی برای کلمه انگلیسی Governance می‌داند و لذا در تمامی ادبیات منتشره از سوی مدرسه از این واژه استفاده کرده و استفاده آن را به دیگران توصیه می‌کند. لازم به ذکر است در برخی از معادلهای، برای این واژه، مفاهیم و معانی دیگری مستتر است که ممکن است در واژه انگلیسی آن وجود نداشته باشد به این دلیل واژه حکمرانی که از دو بخش " حکم " و " راندن " تشکیل شده، برابر نهاد مناسب‌تری می‌باشد. در یک تعریف ابتدایی، حکومت‌داری یا حکمرانی به‌عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آن‌ها عمل می‌کنند یا به‌عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در کلیه سطوح تعریف شده است.

در واقع " حکم " به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، و امثال آن است و " راندن " به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن می‌باشد. لازم به ذکر است که حکمرانی موضوعی است فرا رشته‌ای و میان رشته‌ای، از شاخه‌های مختلف علمی همچون حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، الهیات، روانشناسی و ... بهره می‌برد. بر اساس آنچه در فرهنگ لغات، متون علمی و منابع موثق به زبان فارسی و انگلیسی در مورد اصطلاح حکمرانی آمده است می‌توان آنرا به صورت زیر تعریف نمود: نوعاً فرایند قاعده گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است. براساس رویکردهای سایبری به قضیه بنگریم توسعه شبکه‌های اجتماعی در جامعه و استفاده گسترده از انواع نرم‌افزارهای کاربردی با موضوع شبکه‌های اجتماعی منجر به تولید انبوه داده‌های ارزشمند در این عرصه گردیده است و لزوم حکمرانی بر این داده‌ها امری غیر قابل اجتناب است. (توجه شود به: چمنی و دیگر همکاران، ۱۴۰۳، ص ۹۱)

اگر بخواهیم به مصداقی از مصداقی آنر بپردازیم مثلاً حکمرانی خوب نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد. بانک جهانی پس از آنکه در اجرای سیاست‌های تعدیل یا همان اجماع واشنگتنی در برخی کشورها ناموفق بود، به این نتیجه رسید که چون دولت‌ها در آن کشورها واجد شرایط لازم نیستند، نمی‌توانند در اجرای توصیه‌های این بانک و آزادکردن قیمت‌ها موفق عمل کنند. این نخستین مرحله شکل‌گیری و پیدایی اندیشه (حکمرانی خوب) است. باید خاطر نشان کرد که پارادایم حکمرانی خوب به پارادایم غالب در اندیشه توسعه تبدیل شده است. همچنین در فرهنگ دینی اسلام بارها به مؤلفه‌های حکمرانی خوب اشاره شده است که به منظور چگونگی دستیابی به حکومتی است که بتواند زمینه ساز توسعه‌ای عادلانه و مردم سالار را فراهم کند. دستورات

صریح دین مبین اسلام سده‌ها قبل به طرح ایده حکمرانی خوب، در قرآن، روایات، سیره پیامبران و امامان پرداخته است. توجه به موضوع حکمرانی در مباحث توسعه، به دلیل عواملی از جمله شکست برنامه‌های قبلی توسعه، گسترش توجه به نهادها در تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آگاهی از اهمیت عوامل سیاسی در توسعه کشورها، پی بردن اقتصاددانان به اشتباه بودن برخی مفروض‌های نئوکلاسیکی و برخی عوامل دیگر مانند فروپاشی کمونیسم بوده است. این استراتژی نیز به مانند دیگر برنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی با کاستی‌هایی همراه بوده است، به طوری که نقدهای متعددی برای آن ارائه کردند. حکمرانی خوب به عنوان روشی برای دستیابی به توسعه توسط بانک جهانی مطرح گردید، ولی کشورهای مختلف برای اجرای آن با چالش‌ها و کاستی‌هایی روبه‌رو شده‌اند، از جمله آنکه منشأ حکمرانی خوب اقتصاد و توسعه اقتصادی است که حکمرانی پایدار را به عنوان الگویی برای برون رفت از کاستی‌های حکمرانی خوب می‌تواند مطرح کرد که از ترکیب پارادایم توسعه به عنوان مغزافزار و حکمرانی خوب به عنوان راهکار عملیاتی سازی حکمرانی، این الگو شکل می‌گیرد. (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۹۵)

آسیب‌های جرم شناختی حاکم بر فضای مجازی

با توجه به آنکه طی چهار دهه گذشته تغییرات محسوسی در چهره قدرت در سطح نظام سیاسی و عملکرد دولت‌ها رخ داده است لذا مناظرات درباره کاهش قدرت دولت‌ها و ظهور بازیگران متعدد سیاسی و فراسیاسی و تغییرات در شکل حکمرانی به‌عنوان یکی از مباحث اساسی در دوره جدید مطرح می‌شود. جستار پیش رو در جهت پاسخ به این پرسش اساسی است که اندیشه سیاسی معاصر به ماهیت گذار از سیاست حکومت چه رویکردی داشته است؟ در پاسخ به این پرسش دو امکان مناقشه نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد: دیدگاه اول یا جریان اصلی اندیشه سیاسی، به گذار از حکومت به حکمرانی نظر داشته و در مقابل جریان انتقادی (دیدگاه دوم) از نقش متفاوت و نوپدید قدرت که در اینجا حکومت‌مندی نامیده می‌شود، به رویکرد ایجابی جریان اصلی تشکیک می‌کند. (همتی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۰۵) با در نظر گرفتن این پیش فرض یکی از مظاهر تمدن جدید، فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری تحولات گسترده‌ای در عرصه اجتماعی بشر داشته است. جهان در حال تبدیل شدن به یک جامعه اطلاعاتی است و مانند هر فناوری نوظهور دیگری، این فناوری نیز آسیب‌های اجتماعی را نیز در پی داشته است. یکی از مخاطرات فناوری اطلاعات و ارتباطات معطوف به فضای مجازی است. مخاطرات فضای مجازی به گونه‌ای است که باید تحلیل حقوقی آن توأم با بررسی جرم شناسانه باشد؛ اینجاست که می‌توان با هدف بررسی نقش فضای مجازی در انحرافات اجتماعی از نظر جرم شناسی، تبیین ارائه گردیده است و برای نیل به این هدف به تحلیل نظریات جرم شناسان، راهکارها و تدابیری برای پیشگیری از صدمات برخاسته از این فضا می‌توان پرداخت. (حسین‌خانی، ۱۴۰۰، ص ۱) اینجاست که با جرائم متعدد در فضای سایبری رویه رو هستیم جرائم سایبری عبارت است از جرایمی که در محیطی غیر فیزیکی به عبارتی در فضای سایبری و اینترنتی اتفاق می‌افتند که توسط قوانین مختلف جرم انگاری شده‌اند، با توجه به اینکه با پیشرفت‌های حوزه فناوری جرائم سایبری نیز متحول می‌شوند و روش‌های سنتی پاسخگویی نیاز به مقابله با این جرائم نیست لذا نیاز به روش‌های جدید جهت پیشگیری از این جرائم است. تدابیر پیشگیری وضعی از جمله؛ تدابیر محدود کننده یا سلب کننده دسترسی، تدابیر نظارتی که موارد و سوابق مشکوک، تدابیر صدور مجوز، ابزارهای ناشناس کننده و رمز گذاری، گشت اینترنتی و رصد فضای سایبری برای شناسایی موارد مشکوک و پیشگیری از جرائم احتمالی، آموزش همگانی، شناسایی و کنترل افراد خطر ساز، به افزایش خطرات ملموس ارتکاب جرم افزایش محافظت‌ها و مراقبت‌ها در فضای سایبری و... نقش اساسی در پیشگیری از جرائم سایبری دارند. از چالش‌ها، موانع و مشکلات پیش روی پیشگیری وضعی می‌توان به کثرت محتوای مجرمانه، فراملی بودن جرائم سایبری، عدم تخصص کافی مراجع قضایی و انتظامی، موقتی بودن پیشگیری وضعی، مقابله‌ی محافظه کارانه با جرم،

فرصت مدار بودن، عدم شمول همه‌ی آماج‌ها، جابه‌جایی جرم، عدم شفافیت برخی عبارات قانونی اشاره کرد. (امیریان و دیگران، ۱۴۰۲)

در جهان امروزی، بدون تردید رایانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، روز به روز از جایگاهی مهم‌تر و کارایی بیشتری برخوردار گشته است. مسلماً توسعه و رشد در هر عرصه‌ای، کم و بیش با زمینه‌های بروز انحراف، تخلف و جرم، تلاقی داشته و دارد و لذا در دنیای مجازی نیز همواره احتمال وقوع جرم و هر آسیب دیگری وجود دارد که گاهی فوق العاده خطرناک‌تر از آسیب‌ها و جرائم ارتكابی در محیط فیزیکی می‌باشند. بر این اساس، لازم است که در سیاست‌های کلان مبارزه با بزهکاری، توجه ویژه‌ای به حوزه و فضای سایبر و آسیب‌های شایع در این فضا مبذول گردد. خطرناکی و آسیب‌های متکثر ناشی از فضای مجازی سبب شده است که در قلمرو نظام‌های حقوق ملی، قانون‌گذاران روی به قانون‌گذاری و سیاست‌پردازی آورده و در زمینه کنترل و مدیریت این فضا، راهبردها و تدابیر قانونی مختلفی را دراندازند. در این میان، تجربه کشور آمریکا، گویای وضعیت و آورده‌های منحصر به فردی است که سعی می‌شود با برجسته‌سازی آن، بستری برای فحص بیشتر، در زمینه فضای مجازی و مجاری مستعد قانون‌گذاری در اطراف آن، فراهم آید؛ لذا مسئله محوری جستار پیش رو، عبارت از معرفی و تحلیل اجمالی آسیب‌ها و مخاطرات فضای مجازی و تنویر رویکرد تقنینی ایالات متحده آمریکا در حوزه کنترل به سامان‌سازی آن می‌باشد. اقدامات دیگران را بخواهیم نظری بیفکنیم می‌توان گفت: در قلمرو حقوق و جامعه آمریکا، عملاً نفوذ ترسی سنگین از ساختار شکنی فضای مجازی و تعاملات ناشی از آن، احساس می‌شود که سبب شده قوانین متعددی با جهت‌گیری‌های علمی، آموزشی و فرهنگی در این کشور، تصویب شوند. «قانون آگاهی عمومی از امنیت سایبری»، مصوب سال ۲۰۱۱ م. و «قانون آموزش امنیت سایبری»، از جمله قوانینی هستند که مقنن آمریکایی، با هدف فرهنگ‌سازی علمی و آموزشی در عرصه فضای مجازی و پدیده‌های شایع در آن، آن‌ها را تصویب نموده است. در جامعه آمریکا، شوراهای محله‌ای موظف هستند برای سنین مختلف، کلاس‌های آموزشی برگزار نموده و آنها را با اسلوب صیانت از فرهنگ و ادب و امنیت آمریکایی، در این عرصه آشنا نمایند. فرمانداران ایالات مختلف در این کشور، هر کدام یک حوزه معاونتی و ارشادی سایبری و اطلاعاتی ایجاد نموده‌اند که فلسفه حضورشان، توسعه نظام آموزشی و اطلاعاتی در این کشور، در سطوحی چون حضور و داده‌پردازی مجازی می‌باشد. در آمریکا، هر کدام از ایالت‌ها برای نحوه دسترسی به فضای مجازی، دارای اختیارات مبسوطی هستند و حتی قادرند بدون هیچ‌گونه توضیحی به شهروندان، برای مدت مشخصی امکان و حق دسترسی به اینترنت را از آنها سلب نمایند یا برخی از اطفال برای والدین، در این راستا تعریف محدودیت کنند. والدین سهل‌انگار در تربیت فرزندان، ممکن است با محدودیت‌های گسترده‌ای در زمینه دسترسی به امکاناتی، چون اینترنت، مواجه گشته و از سوی نهادهای خدماتی و کمیته‌های محلی حمایت اجتماعی رایگان برای شهروندان، با توبیخ و تحریم خدماتی مواجه گردند. (<https://noo.rs/tGhMI>)

رویکردهای اخلاقی حاکم بر فضای مجازی

رعایت اخلاق در زندگی و ارتباطات اجتماعی ضرورت انسانی زیستن است. اخلاق اجتماعی موجب قابل تحمل شدن تراحمات و اصطکاک‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مدرن می‌شود؛ وگرنه انباشت برخوردها و اختلاف‌ها، زندگی در فضای جدید را غیرقابل تحمل می‌کند. این اخلاق منحصر به فضای واقعی و زندگی اول نیست بلکه در زندگی دوم و فضای مجازی نیز مورد نیاز است و نمی‌توان از آن غفلت کرد. این روزها که بنا به نوعی تأخر و عقب‌ماندگی اخلاقی در فضای مجازی شاهد بسیاری از ناهنجاری‌ها و حتی بزهکاری‌ها هستیم، ضروری است کمی درباره اخلاق در فضای مجازی بیندیشیم. مثلاً فعالیت تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا در فضای مجازی به‌نوعی زیربنای فعالیت‌های سایبری کاربران و استفاده‌کنندگان از محتوای مجازی است و از همین رو، این گروه از جایگاه ویژه‌ای در



اخلاقی شدن فضای مجازی برخوردارند. مسئله مهم، تبیین ملزومات پایبندی اخلاقی و رفتارهای اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا در فضای مجازی است و تا زمانی که این مسئله تبیین نگردد، رفتار اخلاقی این افراد و در نتیجه، اخلاقی شدن فضای مجازی، امری ناممکن و دست‌نیافتنی است. هدف از این پژوهش، پاسخ به سؤالاتی است که با بنیان‌های ارزشی افعال و مسئولیت‌های اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا در فضای مجازی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پیوند دارد. از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، اصول و ارزش‌های اخلاقی حوزه تولید و ترویج محتوا در فضای مجازی عبارت‌اند از: راستی و صدق، اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، امانت داری و رعایت حقوق دیگران، دانش‌افزایی، پرهیز از اشاعه فحشا، حفظ محیط‌زیست و پرهیز از شایعه‌پراکنی و امثالهم می‌باشد (نقدی پور و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۴۱). اگر بخواهیم تاثیرات آنرا بر فضای خانواده مورد بحث و بررسی قرار دهیم باید گفت نداشتن آگاهی کافی درباره فضای مجازی می‌تواند آسیب‌های زیادی را برای خانواده و روابط اعضای خانواده آن در پی داشته باشد. هرچه میزان استفاده از فضای مجازی در خانواده بیشتر باشد تعاملات خانوادگی کمتر می‌شود و از سرمایه‌های اجتماعی پیوند خانوادگی رو به زوال می‌رود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر نظام خانواده وارد کند. شماری از این آسیب‌ها عبارت‌اند از: کاهش ارتباط والدین با فرزندان، بی‌اعتمادی زوجین به یکدیگر، دروغ‌گویی، افزایش فاصله عاطفی و روحی زوجین و اعضای خانواده از یکدیگر، افزایش طلاق هنجارشکنی‌های اخلاقی و... است. (توجه شود به: قربانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱)

مسئولیت اجتماعی و فضای به وجود آمده ناشی از نقش رایانه و اینترنت در زندگی مردم، بررسی و به ابعاد غیر اخلاقی این فضا توجه شده و برای قانونمند ساختن کدهای اخلاقی برای مهار جرم تلاش شده است. برای نمونه، مرکز مطالعات اخلاق و حرفه‌های مؤسسه فناوری الینویز در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد و هدف اصلی خود را حمایت از مطالعات مرتبط با پژوهش و آموزش بر روی مشکلات اخلاقی در میان حرفه‌های مختلف اعلام کرد. این مرکز به دلیل موضوع مهمی که در مورد اخلاق در مهندسی و علوم در زمینه‌ی تجارت و بازار دنبال می‌کرد، خیلی زود از شهرت بین‌المللی برخوردار شد. در سال ۱۹۹۶، بنیاد ملی علم بودجه‌ی پژوهشی را به تعریف کدهای اخلاقی در فضای اینترنت اختصاص داد و نزدیک به ۸۵۰ کد اخلاقی تعریف شد. پیروان برخی ادیان مثل بعضی از فرق مسیحیت نیز تلاش کرده‌اند که کدهای اخلاقی را برای اینترنت تعریف کنند، مثل شبکه‌ی ارتباطی نازنت که چهار کد اخلاقی را برای مسیحیان تعریف کرده است:

(۱) من مراقب روابط آن لاین خود خواهم بود؛ ۲

(۲) در رویت وب سایت‌ها، نسبت به ارزش‌های مسیح نباید کوتاهی کرد؛

(۳) ارتباطات نوشتاری من نباید به گونه‌ای باشد که بر جایگاه مسیح بر زندگی من تأثیر بگذارد؛

(۴) من مواظب زمان صرف شده در فضای اینترنت هستم تا با دیگر امور زندگی من تعادل داشته باشد.

از نگاه اسلام، کدها و قواعد اخلاقی ناظر بر فضای عمومی مجازی جدا از کدهای اخلاقی فضای عمومی در جهان فیزیکی نیست. در واقع، ادیان الهی برای قاعده مند کردن کل هستی آمده‌اند و قوانین حاکم بر کلیت هستی است. از منظر اسلام، اساساً ارزش انسان نه به عنوان یک اسم جمع برای همه‌ی افراد، بلکه به عنوان اسم جنس، انسان را از بقیه‌ی موجودات جدا می‌کند و از حریم ارزشی والایی برخوردار است. از نگاه اسلام، ارزش یک انسان برابر با ارزش همه‌ی انسان‌های جهان است و از سوی دیگر، می‌توان گفت ارزش همه‌ی انسان‌ها مساوی ارزش یک نفر است. از این رو اقداماتی که برای سالم سازی محیط فرهنگی جامعه‌ی انسانی یا اقداماتی که برای گمراهی و تخریب محیط فرهنگی انسانی انجام می‌گیرد، ولو این اقدام به نفع یک فرد یا به ضرر فرد دیگری باشد، به منزله‌ی اقدام به نفع

همه‌ی بشریت یا بر ضرر بشریت محسوب می‌شود. چهار کد اخلاقی برای فضای مجازی از نگاه عام گرایانه‌ی اسلام می‌توان ذکر کرد، البته این کدها و قاعده‌ی اخلاقی به عنوان "بزرگ قاعده‌هایی" بیان می‌شوند که در ذیل آنها کدها و قاعده‌های اخلاقی بسیاری را می‌توان ذکر کرد.

حکمرانی طراحی شده در فضای مجازی

پیشرفت خیره‌کننده فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر دگرگونی‌های بی‌شماری را در عرصه‌های گوناگون جامعه به ارمغان آورده است. فضای مجازی در زمان حاضر، در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم نفوذ کرده است. رشد و تکامل فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و افزایش بهره‌گیری از فضای مجازی و دسترسی هرچه آسان‌تر افراد و جوامع به این آورده‌های دنیای مدرن، سبب تحول رویکرد حکمرانی، از مفهوم سنتی به مفهوم مدرن شده است. بدون شک حکمرانی چنین فضایی که دارای «ضریب نفوذپذیری بسیار بالا»، «قدرت تسهیل ارتباط» و «ارائه فناوری‌ها و خدمات جدید و شگفت‌آور» است، امری بسیار پیچیده و خطیر است. حکمرانی مجموع روش‌هایی است که افراد و نهادها (خصوصی و عمومی) امور مشترک خود را مدیریت می‌کنند. تنظیم کردن کارکرد نظام‌های حکمرانی و اجزای آن سبب بقا و تحقق اهداف نظام می‌شود. برای این که نظام تنظیم‌گری از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار باشد، لازم است مجموعه‌ای از کارکردها، توسط نهادهای تنظیم‌گر محقق شود؛ زیرا همان طور که فناوری‌های در حال ظهور، در حال انتقال قدرت از دولت به شرکت‌ها و کنشگران غیردولتی هستند، نگرش سنتی حکمرانی نیز به عنوان یک مفهوم در حال تغییر و توسعه است. در رویکرد حکمرانی تنظیم‌گرانه، می‌توان با استفاده از ابزارهای سنتی و انواع فناوری‌های نوین فعالیت بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و... را مدیریت و در جهت تحقق اهداف آن‌ها حرکت کرد. یکی از بخش‌هایی که نیاز به حکمرانی و تنظیم‌گری دارد، فضای مجازی است. در سال‌های اولیه ورود اینترنت به کشور، کارکردهای مختلف این فناوری حتی در میان جامعه دانشگاهی نیز شناخته‌شده نبود. از این رو برخوردی انفعالی با اینترنت صورت می‌گرفت و به صورت پیش‌فرض از آن به عنوان فناوری تهدیدآمیز یاد می‌شد. اکنون با اینکه عمر نسبتاً کوتاهی از ورود اینترنت و توسعه آن سپری شده است، گسترش روزافزون و شکل‌گیری فضای مجازی و آمیخته‌شدن آن با زندگی افراد در تمام ابعاد و وجوه، ماهیت دوگانه (تهدید و فرصت) این فناوری پررنگ‌تر شده و بهره‌مندی از جنبه‌های فرصت‌زایی آن بیش از پیش خودنمایی می‌کند (روحانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۶۱) به طور کلی سه دیدگاه در رابطه با حکمرانی و تنظیم‌گری فضای مجازی وجود دارد:

رویکرد سنتی: طبق این رویکرد، دولت به مثابه نماینده حاکمیت و اراده عمومی بهترین نهاد برای مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری فضای مجازی است. مدافعان این رویکرد بیشتر ابعاد سیاسی و اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند و منتقدین این رویکرد معتقدند که تسلط دولت بر فضای مجازی منجر به وضع قوانین مختلف و بسیار متعدد در سطح اینترنت می‌شود؛

تفکیک فضای مجازی از فضای حقیقی: طرفداران این رویکرد معتقدند که فضای مجازی به طور کلی از فضای حقیقی مجزا است و نباید حاکمیت‌های ملی را در قوانین آن دخالت داد. بر اساس این رویکرد، قوانین فضای مجازی بایست توسط کاربران این فضا تنظیم شود؛

رویکرد بین‌المللی به فضای مجازی: بر اساس این رویکرد، فضای مجازی یک جامعه بین‌المللی فرامرزی با اتباعی به بزرگی تمام مردم جهان است؛ لذا با این دیدگاه باید گفت که بهترین سطح تنظیم‌گری و حکمرانی در فضای مجازی جامعه بین‌المللی است و بهترین ابزار حقوق بین‌الملل است.

ترکیبی از همه موارد پیش گفته به عنوان رویکردهای «مثلث تنظیم‌گری» تنظیم شده و به فراخور حوزه تحت تنظیم هر نظام حقوقی، مورد استفاده کشورهای دنیا بوده است. امروزه ظهور فناوری‌های جدید سبب به هم پیوستگی



و همگرایی فناوری‌های قدیم و جدید با یکدیگر شده است. این ارتباطات منجر به همگرایی شبکه‌های مخابراتی، اطلاعاتی و تلویزیونی با یکدیگر شده است. با ظهور پدیده همگرایی و آشکار شدن اثرات و پیامدهای آن، اصلاحات نهادی تنظیم‌گری یکی از موضوعات مهم در سیاست‌های این حوزه بوده است. این حوزه در ایران دارای چالش و مسائلی در حوزه تنظیم‌گری و وضع قوانین است. «تعامل در تأسیس نهادهای تنظیم‌گر»، «فقدان تدابیر لازم جهت تسهیل توسعه تنظیم‌گری» و «عدم ترکیب مناسب اعضای شورا به لحاظ خبرگی در موضوعات و دانش تخصصی موردنیاز» از مشکلات پیش روی حوزه حکمرانی فضای مجازی است. در راستای این مسائل و چالش‌ها، «واگذاری حوزه سیاست‌گذاری به شورای عالی فضای مجازی»، «تعیین روشن و شفاف حدود و اختیارات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» و «رعایت اصل تخصص در فرایند تصمیم‌سازی و تنظیم مقررات» پیشنهاد می‌شود.

حکمرانی از دوره‌ای با معنای بسیط و عرفی در دهه ۱۹۸۰، به حکمرانی نوین و به معنای اعمال اراده در شرایط فعال شدن بازیگران مختلف و میکرو پاورها (جامعه شبکه‌ای) رسیده است. این تغییر نظری، موجب حرکت از حکمرانی با ساختارهای متمرکز سلسله‌مراتبی به ساختارهای بازاری، شبکه‌ای و ترکیبی شده است. با گسترش فاوا و شکل‌گیری فضای مجازی سطوح مختلف اجتماعی در گستره جهانی پیوند یافته و مفهوم مرز جغرافیایی رنگ باخته و معنای قلمرو سرزمینی حاکمیت متحول گشته است. (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص ۵۶۳) برخی معتقدند تنوع‌بخشی به پلتفرم‌های خارجی و حمایت از تولید و اشتراک‌گذاری محتوای بومی مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی و توجه به محلی‌سازی داده‌ها می‌تواند تا اندازه‌ی زیادی مخاطرات سلطه‌ی پلتفرم‌های بزرگ غربی را کاهش دهد. (حسنی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۱)

بایسته‌های سیاست‌گذاری فضای مجازی از باب حکمرانی

فضای مجازی را پدیده‌های پیچیده به لحاظ فنی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌دانند که مهم‌ترین مانع پیشرفت و توسعه آن در هر کشور -در یک کلام- فقدان توافق جمعی در صورت‌بندی مسائل و نوع نگاه به این فضا است. پس، اولین گام جهت استقرار یک نظام حکمرانی مناسب در حوزه فضای مجازی -بمانند سایر حوزه‌ها- «برقراری توافق جمعی درباره مساله» است. قرار گرفتن طرح حمایت از حقوق کاربران در دستور کار مجلس بار دیگر بیم‌ها و امیدهایی را در ارتباط با آینده اینترنت و فضای مجازی در کشور تداعی می‌کند. از یک سو، بیم این می‌رود که به اقتدارگرایی در بخش حکمرانی دیجیتال و فضای مجازی دامن زده شود و از سوی دیگر، اظهار نظر و طرح بحث در فضای عمومی، نویددهنده فعال بودن، حساس بودن و کنشگری متخصصان، شهروندان و نهادهای مدنی و صنفی نسبت به مسائل و سیاست‌های عمومی کشور است. اصحاب علوم سیاسی بر این باورند که وقتی در جامعه‌ای اظهار نظر، اعتراض، مخالفت و تبادل آرا نسبت به سیاست‌های روز در زمان و مکان مناسب، امکان ظهور و بروز پیدا کند، مسائل راه‌حل خود را پیدا می‌کنند، اما سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر اقبال مختلف جامعه بخواهند اعتراض مؤثر به قانون، تصمیم و یا رخدادی داشته باشند، چه ظرفیتی برای بیان مطالبات و یا ارائه پیشنهادهای راهکارهای اصلاحی خود در اختیار دارند؟ آیا در حال حاضر نهادهای سیاستگذار در حوزه فضای مجازی، مکانیزم مشخصی برای ایجاد این ارتباط فراهم کرده‌اند؟

با نگاهی به داخل بررسی ترکیب اعضای «کمیسیون عالی تنظیم مقررات» نشان می‌دهد که از بین ۲۰ عضو تنها یک نفر به نمایندگی از نظام صنفی رایانه‌ای در این کمیسیون عضویت دارد. تا زمانی که حداقل ۳۰ درصد کمیسیون در اختیار نهادهای مدنی و صنفی قرار نگیرد، نمی‌توان از حکمرانی چندذی‌نفعی در فضای مجازی سخن گفت. در حکمرانی فضای مجازی، بازیگران متفاوت، ارزش‌های متفاوت دارند. از دید برخی بازیگران مفاهیمی مانند «استقلال» و «سلطه» و... ارزش محسوب می‌شود و از دید برخی دیگر «آزادی اطلاعات» و «حفظ حریم خصوصی» و... به‌عنوان

ارزش محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از ارزش‌های مدنظر طراحان و موافقان طرح، استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، جهت حفظ استقلال است، اما درکی که از مفهوم استقلال در این طرح وجود دارد مبتنی بر این ایده است: که کمترین میزان تأثیرپذیری از دیگران صورت گیرد. باید این نکته را در نظر گرفت که استقلال تابعی است از «میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در مقایسه با سایر اعضای شبکه». با پیچیده‌تر شدن جهان، مدلسازی‌های مرتبط با استقلال، خصوصاً در تحلیل‌های شبکه‌ای، این رویکرد، حاکم شده است که بازیگری در یک سیستم «استقلال» دارد، که تأثیرگذار باشد، وگرنه هر چقدر هم تأثیرپذیری‌اش را از سایرین کم کند، مستقل نمی‌شود. واقعیت آن است که بازیگر مستقل یا دارای قدرت، قابل حذف شدن از سیستم نیست. کشورهایی که هم‌زمان با افزایش تأثیرپذیری، میزان تأثیرگذاری‌شان را بیشتر افزایش می‌دهند، فرصت استقلال بیشتری می‌یابند. افزایش استقلال و قدرتمندی در فضای مجازی گامی کلیدی است. استقلال در فضای مجازی به معنای کاهش حداکثری اتکای شبکه داخلی نسبت به هرگونه اختلال و محدودیت خارجی و افزایش وابستگی منطقه‌ای و بین‌المللی به خدمات و محتوای ایرانی در فضای سایبری است. رویکرد حاکم بر طرح حمایت منجر به کاهش اثرگذاری بر سایر اعضا و بازیگران بین‌المللی است. تاکید بر درون‌زایی و خوداتکایی بدون توجه به رویکردهای برون‌نگرانه، در عمل منجر به تضعیف حکمرانی در فضای مجازی خواهد شد. از سوی دیگر تاکید صرف بر ارزش‌های حاکمانه بدون توجه به رویکردها و ارزش‌های جامعه‌محور و کاربرمحور منجر به شکست طرح و کاهش اعتماد عمومی خواهد شد. می‌توان به چند محور اصلی در سیاستگذاری فضای مجازی اشاره کرد:

الگوهایی که امروزه توسط نظام‌های سیاسی در مواجهه با فضای مجازی و برای تضمین تسلط و کنترل یکپارچه بر آن اتخاذ می‌شود، نسبت به سایر عرصه‌های حکمرانی متمایز است به طوری که در این فضا دیگر نمی‌توان به سادگی از رویکردهای سلسله‌مراتبی و قهری سراغ گرفت، بلکه فضای اجماع، اقناع و مذاکره با بازیگران فضای مجازی کلید راهگشای مسائل است. تعریف مساله، راهبرد، تعریف ابزار، تعریف نقشه راه در این رویکرد با رویکرد مشارکتی و با همکاری نخبگان علمی، سیاسی، انجمن‌های مدنی، صنفی و مردم‌نهاد و نهادهای حاکمیتی از جوانب مختلف علمی، فناورانه، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و... صورت می‌گیرد.

به این منظور، با توجه به اینکه تدوین قانون به شکل ارائه لایحه از سوی دولت ارجحیت دارد، پیشنهاد می‌شود طرح مذکور از مجلس پس گرفته شود و دولت محترم پس از اخذ نظرات بدنه کارشناسی بخش خصوصی در قالب تشکل‌های تخصصی، لایحه‌ای متناسب آماده کند که هم دغدغه‌های حاکمیت و هم دغدغه‌های جامعه و بخش خصوصی پاسخ داده شود.

سیاستگذار می‌تواند با استفاده از فناوری‌های تنظیم‌یار (رگتک) و پلتفرم‌های فناوری دیجیتال، فرآیند مشارکت‌دهی افراد را در پیشنهاد ایده، اظهارنظر و رأی‌دهی به تصمیم‌ها و سیاست‌ها بهبود بخشد. استفاده از جمع‌سپاری در حوزه سیاستگذاری منجر به این می‌شود که از هوش توزیع‌شده در بین مردم برای اخذ تصمیمات مؤثر استفاده کرد.

در این میان، سیاست‌گذاری‌های سلبی با سازوکارهایی چون، برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه قانون‌گذاری، پالایش فضای مجازی (مشمول بر مسدودسازی و فیلترینگ) و سیاست‌گذاری‌های ایجابی با سازوکارهایی از قبیل، تولید و مدیریت محتوا، افزایش سواد رسانه‌ای و امن‌سازی فضای مجازی مبتنی بر بومی‌سازی در کشور اجرایی شده‌اند. اما با این وجود، محقق نشدن مطلوب «شبکه ملی اطلاعات» به عنوان زیرساخت ارتباطی فضای مجازی کشور، عدم توفیق در تولید محتوای مناسب داخلی و افزایش سواد رسانه‌ای در کشور که همگی از سازوکارهای اعمال سیاست‌گذاری‌های ایجابی در کشور می‌باشند، در کنار عدم جامعیت و نقصان قوانین طرح‌ریزی شده در حوزه فضای مجازی و شکست پروژه فیلترینگ به سبب ناکارآمدی ابزارهای مسدودسازی و فیلترینگ، حکایت از



ناکارآمدی سیاست گذاری‌ها و عدم وجود برنامه‌ای راهبردی، اصولی و فنی در مدیریت و کنترل درازمدت فضای مجازی در کشور دارد و ضرورت اصلاح سیاست گذاری فضای مجازی در ایران در مسیر تحقق بیشتر اهداف مورد نظر در اسناد بالادستی کشور را به تصویر می‌کشد که این امر نیازمند تغییر موازنه موجود از نگاه سلبی و بالا به پایین به نگاه ایجابی و پایین به بالاست. (فرهنگی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱) به منظور بهبود فرایند سیاست گذاری در هر نظام حاکمیتی از جمله محتوای فضای مجازی، بررسی نقش نهادهای مختلف نظام امری ضروریست. انجام این کار به استخراج عدم تطابق‌ها، هم پوشانی و تعارضات میان نقش‌های نهادهای سیاست گذار و برنامه‌های سیاستی آنها در زمینه محتوای فضای مجازی کمک شایانی می‌نماید و درک مناسبی درباره چیدمان خاص نهادی یک نظام حاکمیتی به وجود می‌آورد. در همین راستا، این پژوهش به دنبال شناسایی نقش‌های سیاستی سیاست گذاران در نظام حکمرانی محتوای فضای مجازی است. در این پژوهش، با مروری بر نوشتجات موجود در زمینه محتوای فضای مجازی و سیاست گذاری آن و با استفاده از رویکرد کیفی فراترکیب مجموعه‌ای از نقش‌های سیاستی نظام سیاست گذاری محتوای فضای مجازی شناسایی می‌شوند. بر پایه نتایج این پژوهش، این نقش‌های سیاست گذاران در نظام حکمرانی محتوای فضای مجازی عبارتند از: سیاست گذاری، قانون گذاری، نظارت، ارزیابی و مقابله، توسعه و تقویت آموزش و پژوهش، فرهنگ سازی و ترویج، حمایت، توسعه فضای کسب و کار، و تنظیم گری است. (نامداریان، ۱۴۰۲، ص ۱)

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن این پیش فرض یکی از مظاهر تمدن جدید، فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری تحولات گسترده‌ای در عرصه اجتماعی بشر داشته است. جهان در حال تبدیل شدن به یک جامعه اطلاعاتی است و مانند هر فناوری نوظهور دیگری، این فناوری نیز آسیب‌های اجتماعی را نیز در پی داشته است. یکی از مخاطرات فناوری اطلاعات و ارتباطات معطوف به فضای مجازی است. مخاطرات فضای مجازی به گونه‌ای است که باید تحلیل حقوقی آن توأم با بررسی جرم شناسانه باشد؛ اینجاست که می‌توان با هدف بررسی نقش فضای مجازی در انحرافات اجتماعی از نظر جرم شناسی، تبیین ارائه گردیده است و برای نیل به این هدف به تحلیل نظریات جرم شناسان، راهکارها و تدابیری برای پیشگیری از صدمات برخاسته از این فضا می‌توان پرداخت. اینجاست که با جرائم متعدد در فضای سایبری رویه رو هستیم جرائم سایبری عبارت است از جرایمی که در محیطی غیر فیزیکی به عبارتی در فضای سایبری و اینترنتی اتفاق می‌افتند که توسط قوانین مختلف جرم انگاری شده‌اند، با توجه به اینکه با پیشرفت‌های حوزه فناوری جرائم سایبری نیز متحول می‌شوند و روش‌های سنتی پاسخگوی نیاز به مقابله با این جرائم نیست لذا نیاز به روش‌های جدید جهت پیشگیری از این جرائم است. تدابیر پیشگیری وضعی از جمله؛ تدابیر محدود کننده یا سلب کننده دسترسی، تدابیر نظارتی که موارد و سوابق مشکوک، تدابیر صدور مجوز، ابزارهای ناشناس کننده و رمز گذاری، گشت اینترنتی و رصد فضای سایبری برای شناسایی موارد مشکوک و پیشگیری از جرائم احتمالی، آموزش همگانی، شناسایی و کنترل افراد خطر ساز، به افزایش خطرات ملموس ارتکاب جرم افزایش محافظت‌ها و مراقبت‌ها در فضای سایبری و... نقش اساسی در پیشگیری از جرائم سایبری دارند. نوعاً زندگی در فضای مجازی تأثیرات مثبت و منفی بر سبک زندگی کاربران می‌گذارد. پژوهشگران علوم اجتماعی معتقدند که به منظور انجام کارهای تحقیقاتی می‌بایست، نمونه‌ای مناسب از جامعه انتخاب شود زیرا پژوهش روی تک تک افراد جامعه امکانپذیر نیست. به این ترتیب پژوهشگر خواسته‌های خود را از طریق یافته‌های بدست آمده از گروه نمونه اطلاعاتی در رابطه با جمعیت موردنظر بدست خواهد آورد. برای پژوهشگران، زندگی دوم نمونه مناسبی از جامعه است. فرصت‌های آموزشی، اقتصادی و... از جمله نقاط مثبت این فضاها می‌باشد. اما حضور در این دنیاها می‌تواند آسیب پذیریهایی اجتماعی و



خانوادگی را نیز همراه داشته باشد. امروزه فضای سایبر جزء لاینفک زندگی انسان‌ها گردیده و از آن به عنوان زندگی دوم نام برده می‌شود. مساله اصلی در این فضای نوظهور در زندگی انسان‌ها این است که آیا همان‌گونه که در زندگی فیزیکی نیازمند قانون و قاعده هستیم در این فضا نیز نیازمند قواعدی هستیم که نظام دهنده روابط اجتماعی حاکم بر این فضای زندگی باشد. پر واضح است که فرآیند تدوین قواعد برای چنین فضایی که دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد با آسیب‌های اجتناب ناپذیر مواجه خواهد بود. اصلی‌ترین چالش و آسیب این حوزه را می‌توان در ضعف انسجام و هماهنگی مراجع قاعده‌گذار و تعیین‌کننده سیاست‌ها در این فضا دانست. در ایران این سیاست‌گذاری با مشکلاتی روبرو است من جمله می‌توان گفت تعارض نهادی، ناپایداری سیاستی، بی‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی و افکار عمومی در امر سیاست‌گذاری و غلبه نگاه فنی - تکنیکی مواجه است که سبب شده حکمرانی در این زمینه با نقطه مطلوب فاصله چشمگیری داشته باشد. در جهان امروزی، بدون تردید رایانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، روز به روز از جایگاهی مهم‌تر و کارایی بیشتری برخوردار گشته است. مسلماً توسعه و رشد در هر عرصه‌ای، کم و بیش با زمینه‌های بروز انحراف، تخلف و جرم، تلاقی داشته و دارد و لذا در دنیای مجازی نیز همواره احتمال وقوع جرم و هر آسیب دیگری وجود دارد که گاهی فوق العاده خطرناک‌تر از آسیب‌ها و جرائم ارتكابی در محیط فیزیکی می‌باشند. بر این اساس، لازم است که در سیاست‌های کلان مبارزه با بزهکاری، توجه ویژه‌ای به حوزه و فضای سایبر و آسیب‌های شایع در این فضا مبذول گردد. خطرناکی و آسیب‌های متکثر ناشی از فضای مجازی سبب شده است که در قلمرو نظام‌های حقوق ملی، قانون‌گذاران روی به قانون‌گذاری و سیاست‌پردازی آورده و در زمینه کنترل و مدیریت این فضا، راهبردها و تدابیر قانونی مختلفی را دراندازند. در این میان، تجربه کشور آمریکا، گویای وضعیت و آورده‌های منحصر به فردی است که سعی می‌شود با برجسته‌سازی آن، بستری برای فحص بیشتر، در زمینه فضای مجازی و مجاری مستعد قانون‌گذاری در اطراف آن، فراهم آید.

References

- chamani, S. , aghayi, M. , ghayoori sales, M. and mardani, M. (2024). Providing a data governance model for social networks. *Journal of Exalted Governance*, 5(2), 91-119. (in Persian).
- Eyazi, M, Marzban, N and Salehi, M. (2018). A Search for Good Governance: Towards the Sustainable Governance Model. *Strategy*, 26(4), (in Persian).
- Hemmati, M. and Gezelsofla, M. T. (2022). A theoretical approach to the transition in the concept of governance in contemporary political thought. *Strategic Studies Quarterly*, 25(1), 205-226. (in Persian).
- Amirian, A. and Mousaviyan, M. (2023). Pathology of the challenges governing the prevention of cyber crimes. (e184760). *News Science Quarterly (NS)*, 12(2), doi: 10.22034/lrsi.2023.390289.1104(in Persian).
- Hoseinkhani, E. (2021). Cyberspace criminology with emphasis on delinquent criminological theories.. *Applied Research in Jurisprudence and Law*, 1(2), 51-76. (in Persian).
- - Ghorbani, R and Tarkashvand, A and Soleimani, F. (2022), Moral Abnormalities Governing Cyberspace in the Family, published in the collection of papers of the 14th National Conference on Law, Social and Human Sciences, Psychology and Counseling, Shirvan, <https://civilica.com/doc/1920213>(in Persian).
- naghdiipoor, S. , diba, H. and eslami, F. (2022). Explaining the ethical principles governing the production and distribution of content in cyberspace from the perspective of Islamic ethics. *Quarterly Scientific Journal of Applied Ethics Studies*, 18(45), 41-72. doi: 10.22081/jare.2022.63922.1751(in Persian).
- rohani, A. and rohani, M. (2024). The role of cyberspace in the national governance of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 13(53), 84-61. (in Persian).
- Firouzabadi, S. A. and Ahmadabadi Azadi, J. (2020). Analysis of the history of cyberspace governance in Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Knowledge*, 16(2), 563-598. doi: 10.30497/pk.2020.75410(in Persian).
- Hassani, H. (2022). A Study of New Emerged Challenges for States to Rule the Cyberspace: Consequences of Platformization and Emergence of Metaverse. *Political Science*, 25(Issue 98), 161-184. doi: 10.22081/psq.2022.73424(in Persian).
- farhangi, M. M. , م.س. and golshani, A. (2019). Clarification of Cyberspace Policymaking in the Islamic Republic of Iran (Requirements and modifications, within the scope of the objectives in the upstream documents). *Islamic Revolution Research*, 8(3), 111-132. doi:10.1001.1.23222573.1398.8.30.6.0(in Persian).
- Namdarian, L and Khedmatgazar, H. (1402). Identifying the Roles of Politics in the Country's Cyberspace Content Governance System. Published in the Collection of Articles Published in the Format of the International Web Research Conference. Available at: SID. <https://sid.ir/paper/1047235/fa> (in Persian).
- balavi, M. (2019). Pathology of the Basic Process in the Cyberspace of the Islamic Republic of Iran. , 1(1), 53-64. (in Persian).
- Ameli, S. R. and Hassani, H. (2012). Dual Specialization of Deviances and Abnormalities of Virtual Space: A Comparative Study of International Policies. *Journal of Iranian Cultural Research*, 5(1), 1-30. doi: 10.7508/ijcr.2012.17.001 (in Persian).



- Akhzarian Kashani, M and Ahmadi, M. (2019), Strategy for Good Governance in Good Affairs; with Emphasis on Cyberspace, Third National Conference on Enduring Good, Tehran, <https://civilica.com/doc/1274038> (in Persian).

-